

بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت انشانویسی دانش آموزان شهرستان ساوه

نویسندگان: پروین احمدی^{۱*}، فاطمه بیگم رضازاده شیراز^۲ و زهرا امامقلی زاده گنجی^۳

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه الزهرا(س)

۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه الزهرا(س)

۳. کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه الزهرا(س)

pahmadi@alzahra.ac.ir

*نویسنده مسئول: پروین احمدی

چکیده

هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت انشای دانش آموزان و مقایسه آن با روش سنتی بود. جامعه پژوهش، کلیه دانش آموزان شاغل به تحصیل پایه دوم راهنمایی تحصیلی شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ بود که از آن میان ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه پژوهشی (هفتاد دختر و هفتاد پسر) انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این تحقیق از نوع تصادفی خوشه ای بوده سپس با به کارگیری روش شبه آزمایشی و با استفاده از طرح تحقیق پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل، اطلاعات لازم جمع آوری گردید. روایی آزمون ها توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز تأیید شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان دادند که روش یادگیری مشارکتی نسبت به روش سنتی منجر به کاهش خطا (پیشرفت) در انشای دانش آموزان شده است. پیشرفت انشای دانش آموزان دختر و پسر در روش یادگیری مشارکتی، یکسان بوده است.

کلیدواژه ها: روش یادگیری مشارکتی، فرایند نوشتن، درس انشا، روش سنتی، دوره راهنمایی تحصیلی.

پژوهش های آموزش و یادگیری

(دانشور و نشر)

• دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۶/۲۹

• پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲۶

Scientific-Research
Journal of Shahed
University

Twenty-first Year, No.5
Autumn & Winter
2014-2015

Training & Learning
Researches

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال بیست و یکم - دوره

جدید

شماره ۵

پاییز و زمستان ۱۳۹۳

مقدمه

مسئولیت فردی، موضوع‌های یادگیری را به حد تسلط فرامی‌گیرند [۵]. آموزش و پرورش به هر شکل که انجام گیرد، بر مبنای یادگیری است [۶].

امروزه، اهمیت نوشتن به عنوان راه تبادل اطلاعات، بیان افکار، احساسات و ارتباطات، نسبت به گذشته، بسیار مشهودتر است. با توجه به دستاوردهای وسیع علم و فناوری در زمینه‌های مختلف، توجه به ثبت و گسترش این دستاوردها، به طور مستقیم، به چگونه نوشتن، مربوط می‌شود؛ بنابراین، آشنایی و مهارت داشتن در این زمینه، باعث پیشرفت فردی و اجتماعی و در نتیجه، توسعه فرهنگی جامعه خواهد شد؛ به همین دلیل، در مدارس و دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته، نوشتن یا به عبارتی، انشائوسی، توجهی خاص و ویژه را به خود جلب کرده است. در اصطلاح نویسندگی، انشا، عبارت است از فنی که برای بیان معانی موجود در ذهن به کار می‌رود؛ البته با عباراتی درست، رسا و فصیح که شایسته مقام و درخور درک و فهم شنونده کلام باشند. هدف از آموختن انشا، تسلط بر بیان مقصود است؛ به نحوی که خواننده به خوبی مطلب را درک کند [۷]؛ از سوی دیگر، کسب صلاحیت در نوشتن به رشد و توسعه زبان و ادبیات فارسی منجر می‌شود و می‌تواند در پاسداشت و تحکیم ریشه‌های زبان فارسی، مؤثر واقع شود؛ همچنین، بی‌توجهی به این امر مهم و تشویق نکردن دانش‌آموزان به کسب مهارت در نوشتن، سبب می‌شود، اهداف درس مزبور تحقق نیابند.

از جمله مشکلات موجود در زمینه درس انشا در مدارس ایران، به چند مورد می‌توان اشاره کرد: «کوتاه بودن دوره‌های آموزشی درس انشا در مدارس ایران (سال پایانی دبستان و دوره راهنمایی)، کمبود معلمان متخصص در درس انشا، فقدان فرهنگ کتابخوانی در میان دانش‌آموزان، عدم وجود کتابخانه غنی در مدارس، عدم کفایت میزان ساعات اختصاص یافته به درس انشا، بی‌توجهی به مهارت‌های

آموزش و پرورش، وسیله رسیدن آدمی به نهایت شرافت انسانی است. کانت معتقد است: بشر، تنها با تعلیم و تربیت، آدم تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد نیست؛ از این رو مسئله تعلیم و تربیت، بزرگ‌ترین و دشوارترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است و تنها آفریده‌ای است که به آن محتاج است [۱]؛ به همین دلیل از ابتدای قرن بیست و یکم، توجه همگان، بیشتر از گذشته به نظام‌های رسمی تعلیم و تربیت، معطوف شده است تا به کمک ایجاد تحول در این مجموعه از نظام‌های اجتماعی و افزایش کارایی در کفایت آنها، جوامع بشری قادر شوند به گونه‌ای سازنده با معضلات و چالش‌هایی که پیش رو دارند، مواجه شوند [۲] چراکه گذر باشتاب و پیشرونده از گذشته به حال و از حال به آینده که ماهیتی جهانی، همه‌گیر و فراملیتی دارد، مؤسسات آموزش و پرورش و راهبردهای یاددهی - یادگیری مورد استفاده آنها را در معرض چالش‌هایی دشوار قرار داده است؛ ادامه بقای نظام‌های تعلیم و تربیت از طریق آموزش سنتی، تکیه بر مطالب مندرج در کتاب‌های درسی، نگرستن به دانش‌آموز به عنوان موجودی مطیع و گیرنده و محور دانستن معلم در جریان تعلیم و تربیت در دنیای پرشتاب امکان‌پذیر نیست [۳]. هرگز نمی‌توان با طرز تلقی گذشته به دانش‌آموزان و تربیت آنها نگرست. نظام‌های آموزشی امروز، باید نیروهایی را تربیت کنند که در درک دنیای پیچیده موجود، توانمند و در مدیریت و رهبری آن، خلاق و مبتکر بوده، منطقی رفتار کنند. برای تربیت انسان‌های متفکر و خلاق، دیگر چهارچوب‌های گذشته نمی‌توانند چنین بستر و موقعیتی را فراهم سازند؛ بنابراین به روشی خاص نیاز اسیت [۴]؛ یکی از این روش‌ها، روش «یادگیری مشارکتی»^۱ است؛ روشی که در آن، دانش‌آموزان به صورت گروهی در امر یادگیری با هم فعالیت می‌کنند؛ همچنین با مشارکت یکدیگر و حفظ

زبانی (در نظام آموزش و پرورش ایران توجه ناچیزی به آموزش مهارت‌های زبانی صورت گرفته است؛ دو مهارت شنیدن و سخن گفتن به‌طور کلی جایگاهی در آموزش و پرورش ندارد. مهارت خواندن تنها محدود به روخوانی و روان‌خوانی می‌شود و مهارت نوشتن نیز تنها تا پایان دوره‌ی راهنمایی در برنامه‌درسی دانش‌آموزان ساعتی مستقل را به خود اختصاص می‌دهد و در دوره‌ی دبیرستان به عنوان یک درس حاشیه‌ای و زیر مجموعه‌ی کتاب زبان فارسی عملاً رنگ می‌بازد) [۸]، تکیه دانش‌آموزان بر حفظ مطالب نگارشی، بدون کارورزی، تمرین و پژوهش، یکنواختی تدریس به شیوه سنتی و فعال‌نبودن دانش‌آموزان، تکیه دانش‌آموزان به معلم و کتاب درسی به‌عنوان تنها منبع یادگیری [۹]، نبودن کتاب یا منبعی مشخص برای تدریس انشا (راهنمای معلم)، انتخاب موضوع‌ها از طرف معلم بدون توجه به علاقه و توانایی دانش‌آموزان، نبودن شاخص‌های معین برای ارزشیابی درس انشا و سلیقه‌ای بودن ارزشیابی آن، دانش ضعیف معلمان در خصوص روش‌های تدریس فعال یا خلاق در درس انشا، فراهم‌نکردن نشریات و کتاب‌های مناسب کودکان در خانواده‌ها برای غنی‌کردن تجربیات آنها [۱۰]، ضعف دانش‌آموزان در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب، واژگان ناکافی، خطاهای دستوری و ویرایشی؛ درس انشا از درس فارسی متمایز است و معلم فارسی، وظیفه خود نمی‌داند که قواعد انشائویسی را به دانش‌آموز بیاموزد و معلم انشا هم فرض می‌کند که دانش‌آموز، قواعد را آموخته‌است و تنها باید این آموخته‌ها را به‌کاربرد [۱۱]».

زبانی (در نظام آموزش و پرورش ایران توجه ناچیزی به آموزش مهارت‌های زبانی صورت گرفته است؛ دو مهارت شنیدن و سخن گفتن به‌طور کلی جایگاهی در آموزش و پرورش ندارد. مهارت خواندن تنها محدود به روخوانی و روان‌خوانی می‌شود و مهارت نوشتن نیز تنها تا پایان دوره‌ی راهنمایی در برنامه‌درسی دانش‌آموزان ساعتی مستقل را به خود اختصاص می‌دهد و در دوره‌ی دبیرستان به عنوان یک درس حاشیه‌ای و زیر مجموعه‌ی کتاب زبان فارسی عملاً رنگ می‌بازد) [۸]، تکیه دانش‌آموزان بر حفظ مطالب نگارشی، بدون کارورزی، تمرین و پژوهش، یکنواختی تدریس به شیوه سنتی و فعال‌نبودن دانش‌آموزان، تکیه دانش‌آموزان به معلم و کتاب درسی به‌عنوان تنها منبع یادگیری [۹]، نبودن کتاب یا منبعی مشخص برای تدریس انشا (راهنمای معلم)، انتخاب موضوع‌ها از طرف معلم بدون توجه به علاقه و توانایی دانش‌آموزان، نبودن شاخص‌های معین برای ارزشیابی درس انشا و سلیقه‌ای بودن ارزشیابی آن، دانش ضعیف معلمان در خصوص روش‌های تدریس فعال یا خلاق در درس انشا، فراهم‌نکردن نشریات و کتاب‌های مناسب کودکان در خانواده‌ها برای غنی‌کردن تجربیات آنها [۱۰]، ضعف دانش‌آموزان در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب، واژگان ناکافی، خطاهای دستوری و ویرایشی؛ درس انشا از درس فارسی متمایز است و معلم فارسی، وظیفه خود نمی‌داند که قواعد انشائویسی را به دانش‌آموز بیاموزد و معلم انشا هم فرض می‌کند که دانش‌آموز، قواعد را آموخته‌است و تنها باید این آموخته‌ها را به‌کاربرد [۱۱]».

یادگیری، یکی از مباحث مهم در حوزه روان‌شناسی است و بر این اساس است که انسان، مهارت‌های خود را توسعه می‌دهد و دراصل پیشرفت‌های بشر و توسعه روزافزون علم، زاینده یادگیری است [۱۲]. در دهه‌های اخیر، یکی از روش‌های کارآمد که جایگاهی ویژه در مطالعات تربیتی پیدا کرده و استفاده از آن در مؤسسات آموزشی افزایش یافته، روش یادگیری مشارکتی است.

یادگیری مشارکتی، روش آموزشی نوین است که

بر پایه آن، دانش‌آموزان با همدیگر کار می‌کنند تا به هدف‌های مشترک که برای کل گروه و همچنین تک‌تک افراد گروه اهمیت دارند، دست‌یابند؛ در این روش، دانش‌آموزان برای تبادل اندیشه‌ها با همدیگر گفتگومی‌کنند، کارها را به کمک هم انجام می‌دهند، پرسش‌های خود را از یکدیگر می‌پرسند، برای دستیابی به پاداش‌های درونی و بیرونی با هم همکاری می‌کنند و به هریک از هم‌آموزان برای بیان نظر فرصت می‌دهند [۱۳]. دو عامل تأثیرگذار در تمام روش‌های مشارکتی عبارت‌اند از: ساختار مشوق مشارکتی^۱ و ساختار وظیفه مشارکتی^۲؛ منظور از ساختار مشوق مشارکتی، این است که دانش‌آموزانی که به‌صورت مشارکتی فعالیت می‌کنند در دریافت پاداش به هم وابسته‌اند؛ یعنی همه آنها در موفقیت‌های کسب‌شده، شریک هستند؛ ساختار وظیفه مشارکتی، موقعیت‌هایی هستند که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند با هم روی بعضی از وظایف کارکنند و کوشش‌های خود را به‌منظور دستیابی به اهداف آموزشی، هماهنگ و هم‌سازند؛ بنابراین، روش مشارکتی، روشی است که در آن، دانش‌آموزان به‌منظور تسلط بر محتوا و مواد آموزشی به‌صورت گروهی کار می‌کنند. اعضای هر گروه، از دانش‌آموزانی با موفقیت تحصیلی بالا، متوسط و پایین تشکیل شده است. اعضای هر گروه از نژادها، فرهنگ‌ها و جنسیت‌های مختلف دانش‌آموزی‌اند و نظام پاداش به‌جای فردمدار^۳، گروه‌مدار^۴ است [۱۴]. دیوید جانسون^۵ و راجرز جانسون^۶، ویژگی‌های اساسی یادگیری مشارکتی را در قالب پنج عنصر کلیدی بیان می‌کنند: ۱. وابستگی درونی مثبت: دانش‌آموزان باید توجیه شوند که موفقیت گروهشان مستلزم آن است که افراد به‌طور مؤثر با هم کارکنند؛ ۲. پاسخگویی فردی:^۸

1. Cooperative Task Structure
2. Cooperative Incentive Structure
3. Individually Oriented
4. Group Oriented
5. D.W Johnson
6. R.T Johnson
7. Positive Interdependence
8. Personal Responsibility

به صورت مشارکتی به یادگیری پرداختند (بدون توجه به جنسیت) درمقایسه با کسانی که به صورت انفرادی به یادگیری پرداختند، مطالب را برای مدتی طولانی تر به خاطر داشتند [۱۹]. نتیجه پژوهشی که تانکری^۳ و دی مری^۴ (۱۹۹۴) درخصوص «تأثیر یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش‌های فردی روی عزت نفس و پیشرفت تحصیلی» انجام دادند، نشان داد که رفتار کلامی، حضور و توجه در مطالعات به صورت گروهی به طور چشمگیری، باعث افزایش عزت نفس و پیشرفت تحصیلی می‌شوند؛ همچنین، این تحقیق نشان داده است، دانش آموزانی که تکالیف درسی را در گروه‌هایی با توانایی ناهمگن و به شیوه همیاری انجام می‌دادند، در مرحله اندازه‌گیری، از یادآوری نکات و عقاید اصلی مطالب خواندنی، به مراتب نمراتی بالاتر کسب کردند [۲۰]. جانسون و جانسون [۱۵] با انجام تحقیق‌هایی روی دانش آموزان ابتدایی، متوسطه و نیز دانشجویان، به بررسی «تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و روابط بین فردی میان همکلاسی‌ها» پرداختند؛ نتیجه تحقیق‌ها نشان داد که همکاری و مشارکت در یادگیری، موجب پیشرفت یادگیری و افزایش دوستی و روابط بهتر میان همکلاسی‌ها می‌شود. نتیجه بررسی فلدر و برنت^۵ [۲۱] با عنوان «یادگیری مشارکتی» نشان داد، یادگیری مشارکتی، راهبردی اثربخش و کارآمد برای آموزش مواد درسی مختلف است؛ تی سی و بردی [۱۶] نیز در تحقیقی با عنوان «یادگیری مشارکتی و آموزش ارتباطی» به این نتیجه دست یافتند که روابط اجتماعی که در یادگیری مشارکتی روی می‌دهند به پیشرفت تحصیلی و شرکت فعال دانشجویان در یادگیری منجر می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین روش‌های تدریس انشا، روش مشارکتی است؛ در این روش، موضوع انشا با همفکری دانش آموزان و معلم انتخاب می‌شود و سپس، دانش آموزان در گروه‌های ۳ نفری که با همفکری هم در طول زمان تعیین شده، انشای خود را می‌نویسند و از هر

نه تنها گروه باید در برابر تحقق اهدافش پاسخگو باشد بلکه هر فردی نیز باید در برابر عملکردش احساس مسئولیت داشته باشد؛^۳ تعامل رودرو:^۱ دانش آموزان باید یکدیگر را تشویق کنند، به همدیگر کمک کنند و از همدیگر حمایت کنند؛ این حمایت‌ها باید صادقانه باشد و کلاس، بهترین موقعیت برای فعالیت‌هاست؛^۴ مهارت‌های بین فردی:^۲ دانش آموزان باید یاد بگیرند که چگونه در گروه کار کنند؛ اعضای گروه باید بدانند که چگونه به طور مؤثر، تلاش‌های گروهی را رهبری کنند، چگونه اطمینان ایجاد کنند، چگونه ارتباط برقرار کنند، چگونه اختلاف‌ها را اداره کنند و چگونه انگیزه ایجاد کنند؛ لذا معلم باید مهارت‌های کار گروهی را به طور هدفمند، دقیق و علمی آموزش دهد و^۵ فرایند گروهی: دانش آموزان باید به طور مستمر، کار گروهی خود را ارزیابی کنند تا در صورت نامناسب بودن روند کار، آن را اصلاح کنند [۱۶ و ۱۵].

به طور خلاصه می‌توان فواید و محاسن روش مشارکتی را در کاهش وابستگی به معلم، افزایش علاقه به یادگیری، پیشرفت تحصیلی، [شکل‌گیری] احساسات مثبت نسبت به همکلاسی‌ها، کاهش انزوای طلبی و از خود بیگانگی دانست [۱۷].

پژوهش‌هایی که درخصوص روش یادگیری مشارکتی صورت گرفته‌اند، نشان می‌دهند که روش یادگیری مشارکتی، مؤثرتر بوده، پیامدهای مثبت زیادی نسبت به روش روش سنتی دارد. پژوهش کنت جونز و الیزگی (۱۹۸۴) نشان داد، تدریس فعال، موجب همکاری بیشتر دانش آموزان با یکدیگر و کاهش مشکلات مدیریت کلاس می‌شود؛ شارن و سلی وین نیز بر تأثیر مثبت هم‌آموزی بر پیشرفت تحصیلی و روابط میان‌گروهی تأکید دارند [۱۸]. پیترسون و همکاران (۱۹۹۱)، تحقیقی درباره «تأثیر جنسیت بر میزان پیشرفت تحصیلی و یادداری مطالب در موقعیت‌های مشارکتی و رقابتی» انجام دادند؛ نتایج نشان دادند، آزمودنی‌هایی که

3. Tankeri

4. Dey - Mary

5. Felder & Brent

1. Face- to Face Interaction

2. Interpersonal Skills

نوشتن، آشنایی پیدانمی‌کنند و فقط برای رفع تکلیف کاری را انجام می‌دهند [۸ و ۷]. لزوم به‌کارگیری روش مطلوب در آموزش به اندازه‌ای است که دست‌اندرکاران علوم تربیتی، بهره‌گیری از روش‌های مناسب را مهم‌تر از دانش آن درس دانسته‌اند. به‌کارگیری «روش مشارکتی» از جمله رویکردها و شیوه‌های نوین و فعال در زمینه تدریس و یادگیری است که می‌تواند پاسخگوی بسیاری از معضلات و مشکلات باشد. در اینجا، روش مطلوب انشانوشتن با عنوان «فرایند نوشتن»^۱، مبنای نظری این پژوهش قرار گرفته‌است. بررسی‌ها نشان‌دادند که «فرایند نوشتن»، شیوه‌ای مؤثر در آموزش به دانش‌آموزان است تا نویسندگانی خوب و ماهر شوند. به دانش‌آموزان آموخته می‌شود که چگونه از طریق کلمات، اندیشه‌های خود را با یکدیگر مبادله و مطرح‌کنند [۲۴]. فرایند نوشتن شامل «پیش از نوشتن»^۲، تهیه پیش‌نویس، نوشتن^۳، سهم‌شدن، پاسخگویی^۴، تجدیدنظر، ویرایش کردن^۵ و منتشر کردن^۶ می‌شود.

شواهدی بسیار وجود دارند که بر فواید «نوشتن» در پیشرفت و بهبود انشانویسی دانش‌آموزان دلالت دارند. آموزش دادن به دانش‌آموزان که چگونه (از طریق مرحله پیش از نوشتن) برای نوشتن (انشا) طراحی و برنامه‌ریزی کنند، چگونه جملات را ترکیب کنند و هنگام نوشتن، درگیر فرایند پژوهش شوند، از آنها نویسندگانی برجسته خواهند ساخت. آموزش دادن به دانش‌آموزان، حتی اگر یک یا دو مرحله از فرایند نوشتن را به‌کاربرند، باعث پیشرفت توانایی نوشتن آنها، به‌طور معناداری خواهد شد. کاربرد «فرایند نوشتن» به‌عنوان یک شیوه آموزش در تمام کلاس‌ها، به فرزندان ما کمک می‌کند، مهارت‌هایی را که آنها برای برقرار کردن ارتباط در آینده نیاز دارند، رشد و توسعه دهند [۲۵].

گروه، یک نفر، انشای گروه را می‌خواند؛ پس از آن، سایر گروه‌ها درباره انشا اظهارنظر می‌کنند و براساس معیارهای از پیش مشخص شده نمره می‌دهند [۲۲]. با اینکه پژوهش‌هایی بسیار، سودمندی روش یادگیری مشارکتی را نشان می‌دهند، هنوز در بسیاری از نظام‌های آموزشی، از جمله ایران، آموزش به شیوه یادگیری مشارکتی چندان مورد توجه نیست و معلم و دانش‌آموز در تشکیلاتی اسیر و گرفتار هستند که نتیجه و فرایند آن چیزی نیست جز، انبوهی از محفوظاتی که پس از مدتی، محو و فراموش می‌شوند؛ در این تشکیلات، معلم درس می‌دهد که دانش‌آموز حفظ کند و دانش‌آموز حفظ می‌کند که نمره بیاورد؛ بدیهی است که در این روش، جایی برای مطالعه، پژوهش و حتی لختی از اندیشیدن پیش‌بینی نشده‌است [۲۳]. در زنگ انشا که کاشف استعدادهای ادبی دانش‌آموزان است نیز، این روش جریان دارد، غافل از اینکه این روش برای درس انشا مطلوب نیست. نگاهی گذرا به وضع انشا در نظام آموزشی کشور نشان می‌دهد که این درس با موانع و مشکلات بسیاری روبه‌روست که می‌توان دلیل عمده مشکلات و در نتیجه، ناموفق بودن درس انشا را نداشتن روش مناسب برای آموزش این درس دانست. در روش سنتی و متداول آموزش درس انشا، معلم موضوع انشایی را در کلاس برای دانش‌آموزان مطرح کرده، از آنها انتظار می‌رود که هر یک به‌طور انفرادی، در خصوص موضوع، مطالبی بنویسد و در هفته آینده، در ساعت انشا به کلاس بیاورد؛ دانش‌آموزان، از روی اجبار ممکن است مطالبی را از جایی جمع‌آوری کرده، بنویسند یا اینکه موضوع را به والدین خود داده، از آنها بخواهند که درباره آن بنویسند. در ساعت انشا، تمام زمان کلاس به خواندن انشاهای دانش‌آموزان سپری می‌شود، بدون اینکه انشاها براساس معیارها و ملاک‌هایی مشخص ارزیابی و به دانش‌آموزان بازخورد داده‌شوند و پس از آن، موضوع بعدی ارائه می‌شود و تا پایان سال تحصیلی این روند ادامه دارد؛ در این روش، دانش‌آموزان به‌طور عملی، درگیر نوشتن و فعالیت نمی‌شوند و با نحوه

1. Writing process
2. pre- writing
3. drafting & writing
4. sharing & responding
5. revising & editing
6. publishing

سنتی به پیشرفت دانش‌آموزان در درس انشا منجر می‌شود؟

۲. آیا پیشرفت انشانویسی دانش‌آموزان پسر و دختر در روش یادگیری مشارکتی، متفاوت است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، «شبه تجربی» است. متغیر مستقل، روش یادگیری مشارکتی و متغیر وابسته، کاهش خطاهای انشای دانش‌آموزان بودند.

جامعه آماری

جامعه آماری، دانش‌آموزان پسر (۱۶۳۵ نفر) و دختر (۱۸۲۲ نفر) پایه دوم راهنمایی تحصیلی شهرستان ساوه در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ بوده‌اند.

برآورد نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه آماری به روش نمونه‌گیری «تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای» بدین شرح مشخص شد: ابتدا از میان ۳۵ مدرسه دخترانه و ۳۶ مدرسه پسرانه شهرستان ساوه، دو مدرسه راهنمایی به صورت تصادفی انتخاب شدند؛ در این دو مدرسه از میان شش کلاس پایه دوم راهنمایی، چهار کلاس و از این چهار کلاس، دو کلاس به‌طور تصادفی به‌عنوان گروه آزمایش (پسر و دختر) و دو کلاس دیگر به‌عنوان گروه کنترل (پسر و دختر) انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

در انجام تحقیق حاضر، آزمونی استاندارد به‌کارگرفته‌نشده‌است بلکه تنها ابزار کار محقق، انشای عینی دانش‌آموزان بوده؛ منظور از انشای عینی، انشایی است که نویسنده، صحنه یا واقعه‌ای را خود ببیند و سپس، بادقت اجزای آن را روی کاغذ بیاورد [۲۸] که به‌صورت دو آزمون، در گروه‌های آزمایش و کنترل مورد استفاده قرارگرفت؛ این آزمون‌ها بدین شرح اند:

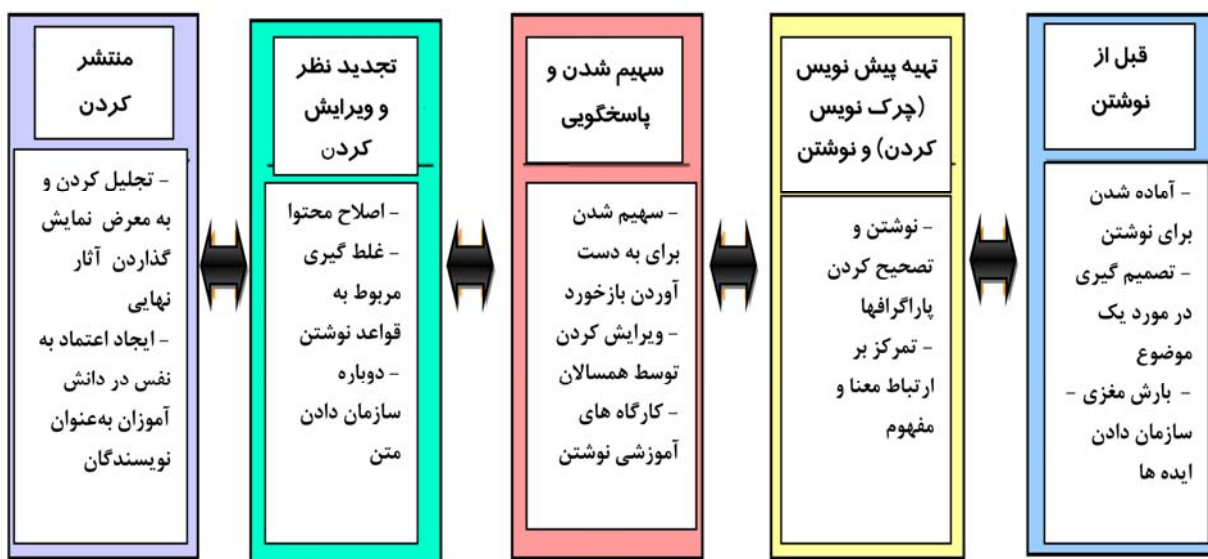
فرایند نوشتن، ماهیتی «برگشتی»^۱ دارد به این معنا که نویسنده، به‌طور مداوم به تجدیدنظر و اصلاح نوشته‌اش می‌پردازد. مرحله پیش از نوشتن^۲، گامی اساسی در فرایند نوشتن است که طراحی و درنظرگرفتن موضوعی است که قصد نوشتن آن را دارند و ۷۰ درصد از زمان نوشتن را به خود اختصاص می‌دهد. نویسندگان ماهر، به‌طور عمده، زمانی بیشتر را برای سازمان‌دادن و برنامه‌ریزی آنچه می‌خواهند بنویسند، صرف می‌کنند. دانش‌آموزان، به‌طور میانگین، تنها حدود ۳ دقیقه وقت به‌منظور آمادگی برای نوشتن صرف می‌کنند؛ آنها زمانی اندک صرف می‌کنند تا فکر و برنامه‌ریزی کنند که چگونه افکارشان را پیش از اینکه بنویسند، بیان کنند؛ ازاین‌رو آنها نمی‌توانند به اطلاعات و طرح‌هایی که می‌توانند نوشتن آنها را ارتقا بخشند، دست یابند. ارزش آمادگی پیش از نوشتن، تا آنجایی است که مهم‌ترین عامل کمک به دانش‌آموزان در بهبود نوشتن آنها شناخته‌شده‌است. آمارها نشان می‌دهند، دانش‌آموزانی که معلم با آنها درخصوص موضوع انشا پیش از انشا نوشتن صحبت می‌کند، موفق‌ترند تا آنهایی که این تجربه را ندارند [۲۶]؛ گام اساسی دیگر در فرایند نوشتن، «ویرایش توسط هم‌گروهی»^۳ است که هم‌گروهی یا هم‌گروهی‌ها پیش‌نویس تهیه‌شده را (همسالان) ویرایش می‌کنند.

پژوهش‌ها به‌ویژه، ارتباط مستقیم میان آموزش مبتنی بر شیوه‌های فرایند نوشتن و سطح مهارت دانش‌آموزان را نشان داده‌اند؛ انجام مطالعه و تحقیق گسترده درباره این رویکرد در کشور ایران، ضرورتی انکارناپذیر است تا بتوان به پشتوانه تحقیق‌های علمی و متنوع، راهکارهایی برای معضلات این مسئله آموزشی پیشنهاد و اتخاذ کرد.

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا روش یادگیری مشارکتی در مقایسه با روش

1. recursive
2. pre-writing
3. peer editing



شکل ۱. فرایند نوشت پوندکسر و الیور (Poindexter & Oliver) [۲۷]

جدول ۱. ضریب پایایی آزمون به تفکیک گروه‌ها

کل	آزمایش		کنترل		دختر		پسر		ضریب پایایی
	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	
۰/۹۵۱	۰/۹۴۰	۰/۹۲۶	۰/۹۴۲	۰/۹۴۶	۰/۹۴۰	۰/۹۱۸	۰/۹۴۶	۰/۹۶۷	۰/۹۳۹

هر دو آزمون (پیش آزمون-پس آزمون) محاسبه شد و در نهایت، میانه همبستگی‌ها به عنوان پایایی آزمون در نظر گرفته شد که این نتایج در جدول زیر منعکس شده‌اند.

یافته‌ها

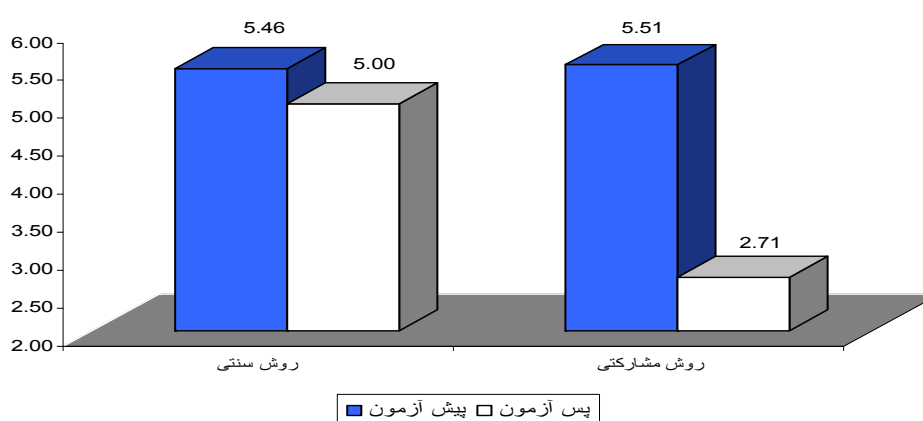
اطلاعات به دست آمده از آزمون‌های انشا، جمع آوری، کدگذاری شده، با استفاده از نرم افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

الف) پیش آزمون: این آزمون، پیش از اجرای متغیر مستقل در گروه‌های آزمایش و کنترل مورد استفاده قرار گرفت و در بردارنده دو موضوع انشای عینی بود.

ب) پس آزمون: پس آزمون، پس از اجرای متغیر مستقل در گروه‌های آزمایش و کنترل اجرا شد؛ پس آزمون نیز همانند پیش آزمون، شامل دو موضوع عینی انشا بود. کارشناسان و متخصصان، روایی آزمون را تأیید کردند؛ پایایی آزمون‌ها نیز با استفاده از همبستگی میان نمرات مصحح‌های اول، دوم و سوم به تفکیک گروه کنترل، آزمایش، دختر و پسر در

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد خطاهای انشا براساس روش تدریس

کل		دختر (n=70)		پسر (n=70)		آزمون‌ها	روش تدریس
SD	M	SD	M	SD	M		
۱/۸	۵/۴۶	۱/۶	۴/۹۴	۱/۹	۵/۹۷	پیش‌آزمون	سننی (کنترل)
۱/۷	۵	۱/۵	۴/۳۷	۱/۶	۵/۶۳	پس‌آزمون	
۱/۷	۵/۵۱	۱/۴	۳/۳۴	۱/۶	۵/۹۴	پیش‌آزمون	مشارکتی (آزمایش)
۱/۴	۲/۷۱	۰/۹۵	۲/۰۹	۱/۸	۵/۰۹	پس‌آزمون	



نمودار ۱. تعداد خطاهای انشا در پیش‌آزمون و پس‌آزمون براساس روش تدریس

توجه به ماهیت پژوهش، هر دو پرسش با آزمون کواریانس (ANCOVA) پاسخ داده شدند. تحلیل کواریانس، روشی آماری مبتنی بر مدل عمومی خطی است و در پژوهش‌هایی که دارای پیش‌آزمون و پس‌آزمون بوده، پژوهشگر به دنبال بررسی تأثیر چندین متغیر مستقل (کمی و کیفی) بر متغیر وابسته است، استفاده می‌شود؛ درحقیقت، این مدل آماری، اثر پیش‌آزمون (متغیر مستقل کمی) بر متغیر وابسته را تعدیل می‌کند. کاربرد روش ANCOVA به شکلی معتبر، مستلزم رعایت مفروضه‌هایی است که بررسی می‌شوند:

۱. بررسی همگنی رگرسیون

چون در این مدل فقط یک مؤلفه (پارامتر) رگرسیون واحد وجود دارد، فرض بر این است که وقتی

داده‌های پژوهش در این فصل در دو قسمت: الف) توصیفی و ب) استنباطی، مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار خواهند گرفت.

الف) توصیف یافته‌ها

از اطلاعات جدول ۲، نتایج زیر استنباط می‌شوند:

- تعداد خطاهای انشا در پیش‌آزمون گروه کنترل (۵/۴۶) و آزمایش (۵/۵۱) به طور تقریبی یکسان است.
- اگرچه تعداد خطاهای پس‌آزمون هر دو گروه نسبت به پیش‌آزمون کاهش یافته است، این کاهش در گروه مشارکتی (۲/۷۱)، بسیار بیشتر از گروه سننی (۵) است.

ب) تحلیل نتایج

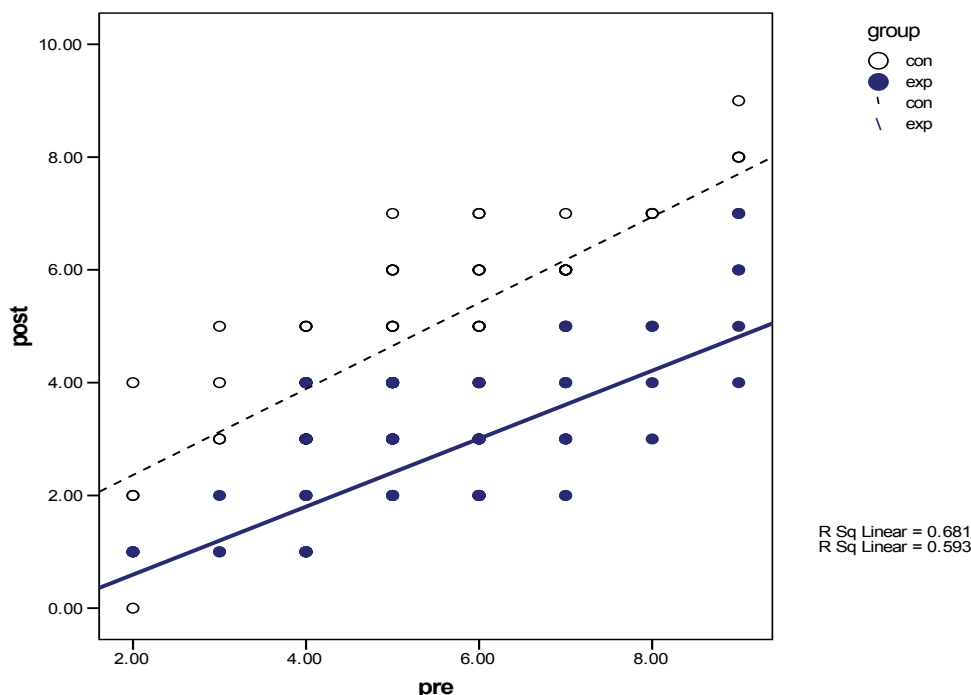
در پژوهش حاضر، دو پرسش مطرح شده‌اند که با

بزرگ‌تر از ۵ درصد است ($p=0/2$ ، $df=1$ ، ۱۳۳)
 یعنی می‌توان پذیرفت که ضریب همپراش
 (ضریب زاویه خط رگرسیون) برای تمامی گروه‌های
 کاربردی (کنترل، آزمایش، دختر و پسر) یکسان است.

۲. بررسی وجود رابطه خطی پیش‌آزمون و پس‌آزمون
 به منظور بررسی این مفروضه از نمودار پراکنش
 استفاده شد (نمودار ۲).

با توجه به اینکه شیب خطوط رگرسیون در هر سه
 نمودار به‌طور تقریبی با یکدیگر موازی است، بنابراین
 می‌توان نتیجه گرفت که میان پیش‌آزمون و پس‌آزمون همه
 گروه‌ها، رابطه خطی وجود دارد.

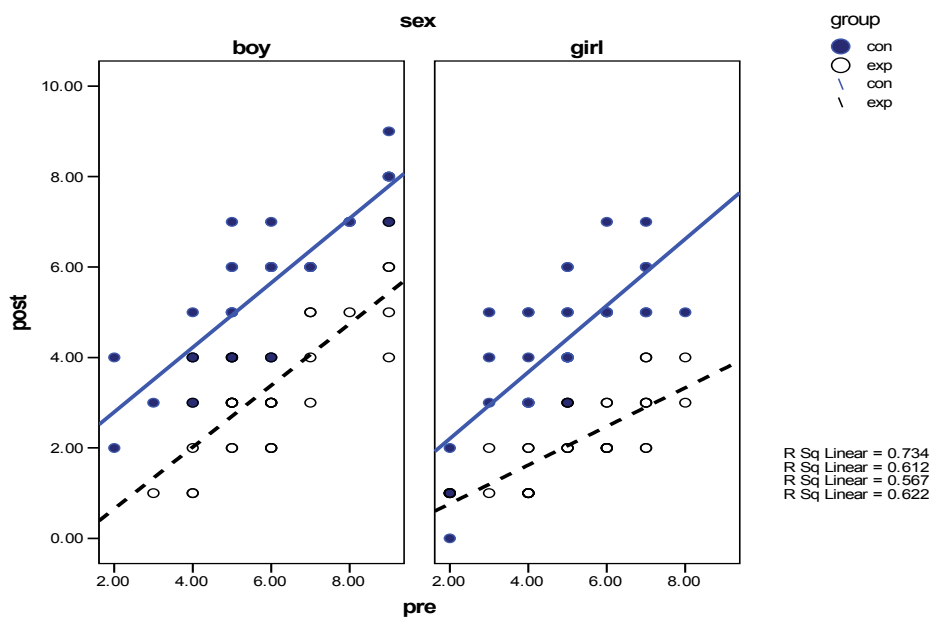
Y را بر X برای هر گروه جداگانه بازگشت‌دهیم، تمامی
 خطوط رگرسیون، دارای ضریب ثابت خواهند بود
 (یعنی یا همه موازی‌اند یا همه روی خطی واحد
 قرار دارند). اگر مفروضه یکسانی ضرایب رگرسیون
 برقرار نباشد، میان متغیر مستقلی که توسط شرایط
 کاربردی تعریف شده (کنترل و آزمایش) و پیش‌آزمون،
 تعامل وجود دارد؛ محاسبات مربوط به بررسی این
 مفروضه نشان داد که F به دست آمده برای همپراش ×
 گروه معنادار نیست ($F=۲/۲$ ، $df=1$ ، ۱۳۳ ، $p=0/08$)؛
 بنابراین می‌توان فرض همگنی شیب‌های رگرسیون را در
 دو گروه کنترل و آزمایش پذیرفت؛ همچنین، سطح
 معنی‌داری آزمون F مربوط به همپراش × گروه × جنس



نمودار ۲. پراکنش میان پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل

جدول ۳. خلاصه آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها

آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۱/۲	۳	۱۳۶	۰/۳



نمودار ۳. پراکنش میان پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش و کنترل دانش‌آموزان دختر و پسر

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری آزمون لوین بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرضیه مساوی بودن واریانس‌ها پذیرفته می‌شود.

۳. بررسی همگنی واریانس‌ها
 همچنین به منظور بررسی مفروضه همگنی واریانس گروه‌ها از آزمون لوین استفاده شد که محاسبات مربوط به آن در جدول ۳ خلاصه شده‌اند.

جدول ۴. خلاصه آزمون آنوا برای دو عامل بین‌گروهی (گروه کنترل و آزمایش)، (جنس)

منبع تغییرها	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	نسبت F	سطح معناداری	ایتای تفکیکی
Corrected Model	۴۰۳/۸	۴	۱۰۰/۹۵	۱۳۱/۹	۰/۰۱	۰/۷۹۶
Intercept	۱/۶	۱	۱/۶	۲/۰۹	۰/۱۵	۰/۰۱۵
همپراش	۱۶۵/۶	۱	۱۶۵/۶	۲۱۶/۴	۰/۰۱	۰/۶۱۶
جنس	۱۳/۹۹	۱	۱۳/۹۹	۱۸/۳	۰/۰۱	۰/۱۱۹
گروه	۱۸۸/۷	۱	۱۸۸/۷	۲۴۶/۵	۰/۰۱	۰/۶۴۶
گروه * جنس	۰/۱	۱	۰/۱	۰/۱۴	۰/۷۱	۰/۰۰۱
خطا	۱۰۳/۳	۱۳۵	۳/۱			
کل	۲۵۹۰	۱۴۰				
نتیجه کلی	۵۰۷/۱۴	۱۳۹				

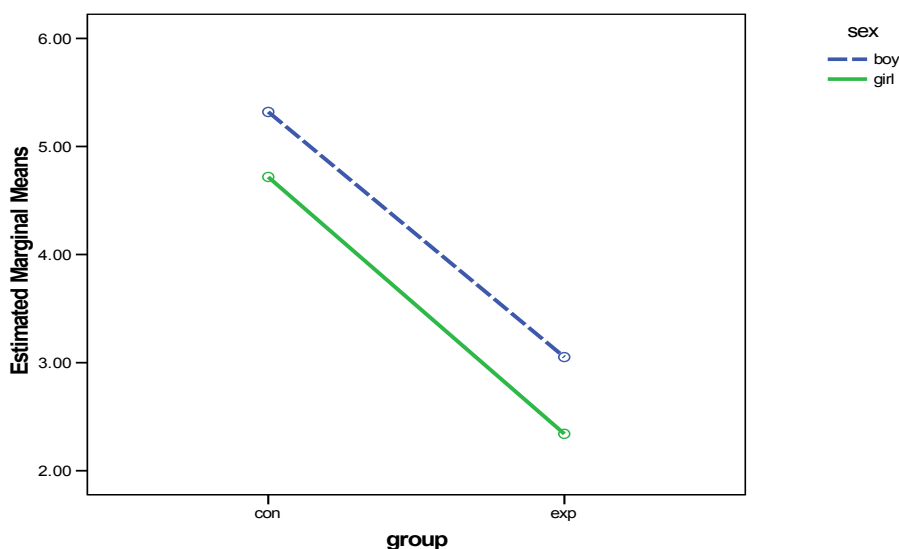
از این رو می‌توان نتیجه گرفت که کاهش خطاهای انشانویسی در روش مشارکتی، تابع جنسیت دانش‌آموزان نیست؛ این نتایج در نمودار ۴ نیز به خوبی منعکس شده است.

همان‌طور که شیب تند خطوط نمودار ۴ نشان می‌دهد، تعداد خطاهای انشا در گروه آزمایش (گروهی که با روش یادگیری مشارکتی آموزش دیده‌اند)، نسبت به گروه کنترل (آموزش به روش سنتی)، کاهش چشمگیری داشته است؛ اما موازی بودن خطوط مربوط به دانش‌آموزان دختر و پسر از آن حکایت دارد که کاهش خطاها در هر دو گروه (دانش‌آموزان دختر و پسر) یکسان است.

یافته‌های جانبی پژوهش بدین قرار بودند: (۱) معلم‌های کلاس‌های مورد بررسی با روش‌های نوین آموزشی از جمله یادگیری مشارکتی در درس انشا آشنایی نداشتند؛ آنها در موقع اجرای آزمایشی (انجام روش یادگیری مشارکتی)، نسبت به این روش، اظهار بی‌اطلاعی کردند؛ (۲) در زمان اجرای روش یادگیری مشارکتی، سر و صدا و همهمه‌ای در کلاس ایجاد شده بود که معلم‌ها را شاکی می‌کرد.

بر اساس ارقام به دست آمده از جدول ۴، اثر معنی‌داری عامل میان آزمودنی‌های گروه‌ها (کنترل و آزمایش) وجود دارد ($F(1, 135) = 246/5, P = 0/01$)؛ به عبارت دیگر، اثر اصلی گروه معنی‌دار است؛ بنابراین می‌توان فرض (صفر) را رد کرده، با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفت که «روش یادگیری مشارکتی» در مقایسه با «روش سنتی» به کاهش خطا در انشای دانش‌آموزان منجر شده است؛ میزان ایتای تفکیکی (اندازه اثر) نیز از آن، حاکی است که حدود ۶۴/۶ درصد از واریانس دانش‌آموزان در خطاهای درس انشا از طریق انتساب به گروه‌ها تبیین می‌شود. ایتای تفکیکی معادل ضریب تعیین (R^2) در رگرسیون بوده، بیانگر آن است که چه نسبتی از پراکندگی متغیر وابسته، توسط مدل توجیه می‌شود؛ در ادامه، تفاوت نقش روش تدریس مشارکتی در کاهش خطا در انشای دو گروه از دانش‌آموزان دختر و پسر مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری اثر تعاملی گروه-جنس، بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($F(1, 135) = 0/14, P = 0/7$)؛ بنابراین، شواهد کافی برای رد فرضیه صفر در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد؛

Estimated Marginal Means of post



نمودار ۴. کاهش خطا در انشای دانش‌آموزان

الیور^۱ [۲۷]، لانگر^۲ [۲۶]، انگر و فلیچمن [۲۴] و مدارس کامهامها [۲۵].

پرشس اول، تأثیر روش یادگیری مشارکتی را بر کاهش خطا (پیشرفت) در انشای دانش‌آموزان، مورد بررسی قرارداد. که نتایج نشان‌دادند به‌کارگیری روش مشارکتی، موجب کاهش خطا یا به‌عبارتی، پیشرفت دانش‌آموزان در درس انشا می‌شود؛ این یافته با چهارچوب نظری پژوهش، همخوان است (مبنی بر اینکه یادگیری مشارکتی، یکی از روش‌های نوینی است که به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان منجر می‌شود؛ زیرا دانش‌آموزان به‌صورت گروهی به مطالعه می‌پردازند و مطالعه گروهی، انگیزه دانش‌آموزان را افزایش داده، آنها را تشویق می‌کند تا به فعالیت بپردازند. هدف گروهی مشترک و یکسان به‌علاوه حس مسئولیت‌پذیری در تمامی اعضا موجب می‌شود هر پژوهشی درخصوص یادگیری مشارکتی، پیشرفتی بالاتر و بیشتر را نسبت به یادگیری سنتی نمایان‌سازد؛ علاوه بر پشتیبانی یافته‌های پژوهش با چهارچوب نظری، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در این باره نیز با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارند. پیشرفت تحصیلی بالاتر دانش‌آموزان در روش مشارکتی همسو با نتایج پژوهش‌های پوندکسر و الیور [۲۷]، لانگر [۲۶]، انگر و فلیچمن [۲۴]، بارکلی و همکاران [۱۷]، جانسون‌ها [۱۵]، فلدر و برنت [۲۱]، تی سی و بردی [۱۶]، ترکمان پری [۲۹]، کنعانی [۱۹]، صمدی شال [۳۰]، کرامتی [۳۱]، مشهدی [۳۲]، گراوند [۳۳]، حسینی زواران [۳۴]، پورغلام [۳۵]، خانزاده [۴]، کونانی [۳۶] و قدرتی [۳۷] است.

پرشس دوم پژوهش که یکسانی پیشرفت انشای دانش‌آموزان دختر و پسر را در روش مشارکتی، مورد بررسی قرارداد نیز تأیید شد؛ این یافته پژوهشی نیز علاوه بر اینکه با چهارچوب نظری همخوانی دارد، با یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه نیز همسو است. یافته‌های پژوهش کنعانی [۱۹] و خانزاده

تعداد دانش‌آموزان هر کلاس ۳۵ نفر بود؛ ۳) چیش و آرایش میز و نیمکت‌ها در کلاس‌ها به گونه‌ای بود که امکان تعامل دانش‌آموزان به‌راحتی میسر نبود و ۴) دانش‌آموزان قوی به دلیل تعامل با دانش‌آموزان ضعیف و حس همکاری، احساس رضایت و اعتماد به نفس داشتند؛ همچنین، دانش‌آموزان ضعیف از اینکه به‌راحتی می‌توانستند به مشکل خود واقف شوند و با کمک هم‌کلاسی‌های خود به حل آن بپردازند، احساس رضایت و توانمندی داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در فرایند تعلیم و تربیت، «معلم» است. مجموعه مهارت‌های معلمان در تلاشی خلاصه می‌شود که «تدریس» نام دارد. تدریس، تلاشی دوجانبه است؛ از یک سو یاددهنده به یادگیرنده کمک می‌کند تا بیشتر، بهتر و زودتر یاد بگیرد و از سوی دیگر، یادگیرنده یاد می‌گیرد که چگونه خودش می‌تواند یاد بگیرد. خودیادگیری «خودآموزی» یا «یادگیری یادگیری» نامیده می‌شود.

جورج براون معتقد است، اگر حرفه معلمی، کاری پیچیده است، پس یادگیری شیوه‌های تدریس نیز، باید پیچیده باشد [۱۸]. در این پژوهش تلاش شده است که با به‌کارگیری روش مشارکتی در کلاس انشا، پیشرفت فراگیران در این دو روش (مشارکتی و سنتی) مقایسه شود و تأثیر کاربرد روش مشارکتی نسبت به این روش، موجبات پیشرفت این درس را نسبت به روش سنتی فراهم کند. با توجه به چهارچوب نظری پژوهش که بر اهمیت نقش فعال دانش‌آموزان تأکید می‌کند و نیز، با توجه به روش «فرایند نوشتن» که در مرحله سوم این روش «ویرایش هم‌گروهی‌ها» گامی مهم و اساسی در بهبود انشا به کمک دیگران محسوب می‌شود، انتظار می‌رفت، دانش‌آموزانی که با روش یادگیری مشارکتی انشا می‌نوشتند، از دانش‌آموزان روش سنتی، موفق‌تر باشند. بازنگری یافته‌های پژوهش‌های موجود در این زمینه نیز، این نتیجه را تأیید کردند (پوندکسر و

1.
2. langer

دانش‌آموزان، ضروری است تا آنها با مطالعه کتاب‌های مرتبط به موضوع انشا، آگاهی لازم را در زمینه موضوع مورد نظر به دست آورند.

۵. از آنجاکه بیشتر کلاس‌های مدارس دولتی، پرجمعیت بوده، معلم برای بررسی تک‌تک انشاهای دانش‌آموزان و رفع نقیص آنها فرصت ندارد، پس لزوم افزایش ساعت درس انشا در هفته یا کاهش تعداد دانش‌آموزان در این کلاس‌ها یا استفاده از دستیار معلم پیشنهاد می‌شود.

۶. مسئولان آموزش و پرورش، اهتمام جدی خود را برای حل مشکلات درس انشا و توجه بیش از پیش به آشنا کردن معلمان با روش‌های نوین تدریس انشا از جمله روش تدریس مشارکتی از طریق تشکیل دوره‌های آموزش ضمن خدمت مبذول دارند.

۷. برای اجرای موفق روش‌های نوین تدریس در دوره راهنمایی باید این زمینه در دوره ابتدایی ایجاد شود تا دانش‌آموزان با فرایند تازه به‌طور ناگهانی روبه‌رو نشوند.

۸. به‌منظور آگاهی معلمان، مسئولان مدارس و دانش‌آموزان از مزایای روش‌های یادگیری مشارکتی و تشویق آنان برای به‌کارگیری این روش در فرایند یاددهی - یادگیری، اطلاع‌رسانی مناسب از طریق همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی صورت گیرد.

۹. یادگیری مشارکتی، ملازم با محیطی شلوغ و همراه با سروصداست؛ زیرا در این محیط است که تعامل و همفکری میان دانش‌آموزان ایجاد می‌شود لذا به معلمان توصیه می‌شود، پذیرای چنین محیطی در کلاس درس خود باشند.

۱۰. روش یادگیری مشارکتی به امکانات و تجهیزات مناسب از جمله میز و صندلی‌های متحرک نیاز دارد تا دانش‌آموزان به‌صورت گروهی، دایره‌وار و چهره‌به‌چهره بنشینند لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولان، چنین امکاناتی را برای افزایش سطح کیفیت و کارایی روش یاد شده فراهم کنند.

[۴] نشان‌دادند که میان دو جنس (پسر و دختر) در خصوص پیشرفت تحصیلی، تفاوتی معنادار وجود ندارد و به‌طور کلی، روش مشارکتی برای همه دانش‌آموزان چه پسر و چه دختر، فوایدی یکسان دارد. این تحقیق، در کل نشان‌داد که بهره‌گیری از روش یادگیری مشارکتی در کاهش خطا (پیشرفت) انشای دانش‌آموزان، مؤثر است و استفاده از این روش به‌عنوان ابزاری کارآمد و اثربخش برای افزایش مهارت در نوشتن دانش‌آموزان، لازم و ضروری است. در آخر، پیشنهادهایی در راستای یافته‌های پژوهش ارائه می‌شوند:

۱. از آنجاکه نظام برنامه‌ریزی درسی کشور، متمرکز بوده و متولی آن، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است، شایسته می‌نماید، از طریق تدوین راهنمای برنامه درسی انشا و نیز، راهنمای معلم (تدریس) انشا، بهای لازم به این درس داده شود و برنامه‌ریزان و کارشناسان سازمان، نسبت به تهیه برنامه درسی مناسب، مبتنی بر یافته‌های علمی و پژوهشی برای درس انشا اقدام کنند چراکه وجود برنامه درسی و راهنمای تدریس مناسب سبب می‌شود که معلمان، شوند، نقش ارزشمند خود را ایفا کنند.

۲. لازم است معلمان درس انشا در روش تدریس خود تجدیدنظر کرده، در انتخاب موضوع انشا به نظر دانش‌آموزان توجه کنند و در خصوص موضوع با دانش‌آموزان بحث و گفتگو کرده، معیارهای خود را برای ارزیابی انشا به‌طور شفاف به دانش‌آموزان ارائه کنند.

۳. شایسته است معلمان، دانش‌آموزان را به یادگیری مشارکتی در کلاس درس انشا تشویق و ترغیب کنند تا دانش‌آموزان از توانایی‌های بالقوه خویش آگاه شوند و بیاموزند که می‌توانند به کمک یکدیگر مشکلات یادگیری خود را برطرف کنند.

۴. کتاب‌هایی بیشتر در زمینه انشائویسی منتشر شوند و مبانی نظری نوشتن و فن نوشتن تهیه شده، در اختیار معلمان انشا قرار گیرند؛ همچنین، تجهیز کتابخانه آموزشگاه‌ها به کتاب‌ها و مجلات مناسب سنین

منابع

- انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. زندی، بهمن (۱۳۸۶)؛ روش تدریس زبان فارسی؛ تهران: انتشارات سمت.
۱۲. عابدی، احمد؛ حمیدرضا عریضی و مهدی سبحان‌نژاد (۱۳۸۴)؛ «بررسی میزان آشنایی معلمان مدارس ابتدایی شهر اصفهان با نظریه‌های یادگیری و نحوه به‌کارگیری آنها در فرایند تدریس»، دوماهنامه دانشور رفتار؛ سال دوازدهم، ش ۱۵.
۱۳. جعفری کوخالو، رقیه (۱۳۸۷)؛ «مقایسه سودمندی روش‌های آموزشی نوین و سنتی از نظر دستاوردهای شناختی، عاطفی و رفتاری»، فصلنامه تعلیم و تربیت؛ سال بیست و پنجم، ش ۱.
۱۴. شعبانی، حسن (۱۳۹۰)؛ مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)؛ تهران: انتشارات سمت.
15. Johnson, David w. Johnson, Roger T (2006). The cooperative learning center at university if: Minnesota. <http://www.coopration.org>
16. Tsay, Mina & Brady, Miranda (2010). A case study of cooperative learning and communication pedagogy: Does working in teams make a difference?, Journal of the Scholarship of Teaching and Learning, Vol. 10, No. 2, June 2010, pp. 78 – 89.
17. Barkley, E. F. Cross, K. P & Major, C.H(2005). Collaborative Learnin Techniques :A Handbook for College Faculty. New York: Jossey –Bass.
۱۸. صالحی، محمد (۱۳۸۸)؛ «تأثیر روش‌های فعال تدریس بر پیشرفت سواد خواندن دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی استان مازندران»، فصلنامه تعلیم و تربیت؛ سال هشتم، ش ۳۲.
۱۹. کنعانی، شهناز (۱۳۷۸)؛ مقایسه تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی درس زبان انگلیسی پایه سوم راهنمایی شهرستان ارومیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
۱. بروج، محمدحسین و محمدتقی ندیمی (۱۳۷۸)؛ آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمای تحصیلی و متوسطه؛ تهران: نشر مهرداد.
۲. فضلی‌خانی، منوچهر (۱۳۸۲)؛ روش‌های فعال تدریس؛ تهران: انتشارات تربیت.
۳. کیامنش، علیرضا (۱۳۸۳)؛ «آموزش همه‌جانبه و مشارکتی در دوره ابتدایی، دستاوردها و چشم‌اندازها»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی؛ سال سوم، ش ۱۰.
۴. خانزاده چرخاب، اعظم (۱۳۸۷)؛ بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر عملکرد دیکته و درک مطلب دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی ناحیه یک همدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
5. Gillies, R.M. (2010). Teacher's reflections on cooperative learning Issue implementation, teaching band Teacher Education. School of Education. The University of Queensland. Australia. V 26.933-940.
۶. ایزدی، صمد و محمدزاده ادملایی، رجبعلی (۱۳۸۶)؛ «بررسی رابطه سبک‌های یادگیری، ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان»، دوماهنامه دانشور رفتار؛ سال چهاردهم، ش ۱۷.
۷. ایلیادی، حسین و حسین حیدرپور (۱۳۸۷)؛ مهارت‌های نوشتاری (گزارش‌های کاربردی)؛ تهران: نشر فرهنگ علوی.
۸. حسینی‌نژاد، سید حسین (۱۳۸۶)؛ رهیافت‌های آموزشی و تربیتی درس انشا؛ تهران: مؤسسه لوح زرین.
۹. صالحی، علی (۱۳۹۰)؛ «راهکارهای عملی برای درس انشا»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی؛ ش ۴.
۱۰. آموزگار، محمدحسن (۱۳۸۳)؛ پروژه بررسی انشای فارسی در دبستان (پایه سوم تا پنجم)؛ تهران:

۳۰. صمدی شال، اسماعیل (۱۳۷۹)؛ مقایسه تأثیر روش آموزش مشارکتی با روش آموزش غیرفعال در پیشرفت تحصیلی درس عربی دانش آموزان پسر سال اول راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه تربیت معلم.
۳۱. کرامتی، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ مطالعه تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر مشهد، رساله دکتری؛ دانشگاه تربیت معلم.
۳۲. مشهدی، حمیدرضا (۱۳۸۲)؛ مقایسه تأثیر آموزش مشارکتی با روش‌های آموزش سنتی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان مراکز تربیت معلم و رابطه آن با سبک‌های شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه تربیت معلم.
۳۳. گراوند، پریش (۱۳۸۳). تأثیر یادگیری مشارکتی با به‌کارگیری تقویت گروهی و فردی بر پیشرفت تحصیلی درس زبان انگلیسی دانش آموزان دختر سوم راهنمایی شهرستان کرج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه الزهراء(س).
۳۴. حسینی زواران، محسن (۱۳۸۴)؛ تأثیر تقویت گروهی و فردی در یادگیری مشارکتی و پیشرفت تحصیلی درس زبان انگلیسی دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی شهرستان کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۵. پورغلام، عمار (۱۳۸۵)؛ مقایسه یادگیری مشارکتی با سنتی از نظر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی پایه چهارم ابتدایی شهرستان فراشبند، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۶. کونانی، عباس (۱۳۹۰)؛ تأثیر یادگیری مشارکتی بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی در درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان کوه‌دشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۰. احمدیه، ملک‌سیما (۱۳۸۰)؛ تأثیر الگوهای جدید تدریس (الگوی تدریس مشارکتی) بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش پایه اول دبیرستان‌های فرزنانگان تهران و اسلامشهر در مقایسه با روش تدریس سخنرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
21. Felder, Richard M & Brent, Rebecca (2007). Cooperative Learning, P.A. Mabrouk, ed., Active Learning: Models from the Analytical Sciences, ACS Symposium Series 970, and Chapter 4, pp. 34-53. Washington, DC: American Chemical Society, 2007.
۲۲. علی اسماعیلی، عبدالله (۱۳۸۹)؛ کتاب کوچک انشا با تأکید بر نظریه‌های یادگیری مشارکتی؛ تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.
۲۳. معلم، حسین (۱۳۸۵)؛ زنگ انشا؛ تهران: انتشارات مدرسه.
24. Unger, J., & Fleischman, S. (2004). Is Process Writing the "Write Stuff"? Educational Leadership, 62(2), 90-91.
25. Kamehameha Schools (2007). THE WRITING PROCESS: An Overview of Research on Teaching Writing as a Process. Available: www.ksbe.edu/spi
26. Langer, J. (2001). Beating the odds: Teaching middle and high school students to read and write well. American Educational Research Journal, 38(4), 837-880.
27. Poindexter, C.C. & Oliver, I.R. (1999). Navigating the writing process: Strategies for young children. Reading Teacher, 52(4), 420-424.
۲۸. عطاری کرمانی، عباس (۱۳۷۳)؛ اصول نگارش و انشای راهنما؛ تهران: انتشارات حافظ نوین.
۲۹. ترکمان پری، کبری (۱۳۷۸)؛ مقایسه تأثیر روش‌های یادگیری مشارکتی و یادگیری فردی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

علوم تجربی دانش‌آموزان پنجم ابتدایی شهرستان قم،
پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبائی.

۳۷. قدرتی، معصومه (۱۳۸۰)؛ مقایسه تأثیر یادگیری
مشارکتی با یادگیری انفرادی در میزان یادسپاری،
درک و فهم، تجزیه و تحلیل اطلاعات علمی درس